



مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

جبر و اختیار از دیدگاه متکلمان برجسته امامیه

باتکیه به آراء علامه طباطبایی (ره) و امام خمینی (ره)

استاد راهنما:

حجة الاسلام والمسلمین دکتر رضا برنجکار

استاد مشاور:

حجة الاسلام والمسلمین دکتر عباسی

دانش پژوه:

محمدحسین جعفری

کتابخانه نه جامع
جامعه العلوم
معاونت پژوهش
مدرسه جهانی علوم اسلامی



۱۳۸۴

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی
شماره ثبت: ۴۲۵
تاریخ ثبت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به :

افتخار آفرینش ؛ مادری پدر ؛ کوثر خلقت ؛ فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ،

و فرزند عزیزش ؛ محبوب دلها ؛ عصاره انبیاء ؛ امید ایتم آل الله ؛

حضرت مهدی منتظر (عج الله تعالی فرجه الشریف) .

تقدیر و تشکر:

یکی از عواملی که در شکل گیری و تربیت روحی هر شخص نقش تعیین کننده
و جهت دهنده دارد ، استاد است. نقش وی در مسیر تعلیم و تربیت کمتر از نقش پدر
و مادر نیست هر چند آن دو در جایگاه بالاتری از دیدگاه قرآن و سنت نشسته اند.
اما استاد نیز، چون شمع می سوزد و می سازد ، و پروانه وار شاگردان را دور خویش
گرد آورده و عشق سوختن را برای تکامل به آنان می آموزد.

از این رو رساله ای که در پیش داریم ، نتیجه ی سوخت و ساز استادان عالیقدر :

- جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر برنجکار،

- و جناب حجة الاسلام والمسلمین دکتر عباسی ،

می باشد . لذا ما به حکم عقل از این صاحبان نعمت خود تقدیر و تشکر می کنیم .

چکیده مطالب :

تردید نیست که آدمی در این بقعه امکان، منشاء آثار بسیاری است؛ چیزی را ایجاد می کند و اشیائی را از بین می برد، و نیز در اشیاء اطراف خود تأثیر می گذارد، و از آن ها تأثیر می پذیرد این از یک سو، و از سوی دیگر، باور دارد که خداوند او را ایجاد کرده و زمانی هم وفات می دهد، و در روزگاری به خاستگاه اصلی خویش بر می گردد. از این روی ذهنش را سالیان دراز، این پرسش مشغول داشته که: آیا او در این میان مختار است یا مجبور؟ در فرض دوم، چگونه از این قوانینی حاکم بر طبیعت رهایی یافته، و به اعتلای انسانیت که مقتضای رسالت اوست نائل آید، و اوصاف الهی؛ مثل قدرت، اراده، علم، و نیز قضا و قدر، کيفر و پاداش انسان به اصطلاح مجبور، توجیه پذیر است. این جا است که باورهای او طغیان نموده و مکاتب جبر و تفویض را در حوزه اسلام به وجود می آورد.

در این میان امامان معصوم (علیهم السلام) هر دو باور را موهوم دانسته و امر بین امرین را جهت حل عویصه ای ذهنی انسان ها پیشنهاد می نمایند، که در تفسیر این جمله نورانی، متکلمان امامیه اعم از عصر حضور و عصر غیبت رساله ها نوشته اند، هم اینک ما، از میان آنان به بازنگری متکلمان برجسته امامیه در عصر غیبت، اعم از قدما متأخرین و معاصرین، یعنی شیخ صدوق؛ شیخ مفید؛ سید مرتضی؛ خواجه نصیرالدین طوسی؛ علامه طباطبایی و حضرت امام خمینی (رحمهم الله تعالی)، پرداخته ایم، و آراء آنان را متفقاً چنین یافتیم که: آنچه معتزله و اشاعره بر آن اند، نیمی از حقیقت است. و تمام حقیقت در گرو فهم امر بین امرین است. از این روی با استدلال های نقلی و عقلی، جمله بیان شده را تفسیر کردند، و با بافتارهای مختلف به این نتیجه رسیدند که انسان مختار است و هیچ جبری در کار نیست.

لکن در خلال بازنگری آراء، به پرسش دیگری بر می خوریم، و آن این که: اراده انسان که وجه امتیاز افعال ارادی از افعال غیر ارادی است از کجا پیدا شد؟ در جواب از این سوال انتظار قوم را مضطرب یافتیم و نیز شبهه ای این که اگر ضرورت و حتمیت بین ایجاب و وجود از سوی علت تامه است به گونه ای که آن علت تمام راه های اعدام را به سوی عمل مسدود کند چیست؟ لاینحل ماند؛ زیرا انسان مختار اگر با اراده خود علت تامه است در ایجاد عمل، قول به تفویض ثابت می شود و اگر علت واسطه ای و ناقص است و با وجود اجتماع مبادی عمل از جمله اراده او

بازهم در ایجاد عمل محتاج به علت تام و برتر دارد، کلام جبریون تأیید می شود.

سرانجام نظریه ای یکی از محققین معاصر مورد کندوکاو قرار گرفت و مختار راقم در آن مستقر شد؛ زیرا در این نظریه تفسیر عالی از امرین امرین و اراده انسان، و جواب کافی از پرسش بیان شده به دست آمد به این صورت که: عمل خارجی، میل و مآل اندیشی، و غیره به اراده انسان تعلق دارد و با تحقق اراده، تحقق عمل خارجی حتمی می شود. البته این مسأله بعد از فراغ از قضا و قدر الهی در نظر گرفته می شود؛ زیرا هیچ پدیده در آسمان و زمین رخ نمی دهد مگر پس از مراحل هفتگانه. و اعمال تقدیر الهی به گونه های مختلف روی می دهد.

بنابراین اصل قدرت و آزادی اراده را خدا به انسان می دهد، و سرمایه انسان نسبت به این قدرت در طول مالکیت خدا است.

همچنین محدوده اراده انسان و تأثیر آن به صورت های مختلف محدود و مقید است و این محدودیت ها از ناحیه گرایش ها، معرفت ها، توانایی های جسمی و شرایط خارجی ایجاد می شود و پس از این تقдіرات و تحقق مرجحات و بستر عمل، انسان با آزادی کامل فعل اختیاری خود را اراده می کند، و اراده اراده ذاتی اراده است که *الذاتی لا یعلل ولا یسئل*، از همین رو مسئولیت عمل تنها به عهده انسان است و ستایش، سرزنش، کیفر و پاداش برایش در نظر گرفته می شود.

بدین ترتیب جبر و تفویض مصطلح با تمام شبهات خود، باطل می شود.

فهرست مطالب

ب	تقدیم	
ج	تقدیر و تشکر	
د	چکیده مطالب	
ر	فهرست مطالب	
۱	درآمد	
۲	۱. انسان شناسی و مسأله جبر و اختیار	
۲	۲. سیر تکاملی قدم به قدم به سوی خداشناسی	
۳	۳. معاد و مسأله جبر و اختیار	
۳	۴. رابطه جبر و اختیار با اخلاق و حقوق	
۴	۵. رابطه جبر و اختیار با قضا و قدر	
۶	بخش اول :	
۶	کلیات	
۷	۱. تعریف مسأله جبر و اختیار	
۷	امتیازاتی که در اختیار آدمی قرار می گیرد به دو نوع تقسیم می شود	
۱۲	۲. اهمیت و ضرورت پرداختن به مسأله جبر و اختیار	
۱۳	۳. پیشینه ی جبر و اختیار	
۱۶	اشاره به فرقه های کلامی در حوزه اسلام	
۱۶	مقدمه	
۱۷	۱. قدریه	
۱۹	۲. معتزلیان	
۲۲	۳. جبریون مطلق (جهمیه)	
۲۴	مکتب وحدتی ها	
۲۴	برخی مشائین و عده از اشراقیون	
۲۵	وهب	
۲۵	کسیون	
۲۶	ابوالحسن اشعری	
۳۶	۴. ضرورت بازنگری آراء متکلمان بر جسته امامیه	
۳۷	الف. تاریخ اندیشه کلامی شیعه	
۳۰	ب. پیدایش تفکر کلامی معتزله و اشاعره	
۳۱	ج. روش بحث کلامی معتزله و اشاعره	
۳۳	د. روش بحث کلامی امامیه	
۳۳	۵. بررسی مفاهیم جبر و اختیار، اراده و قدرت	
۳۳	مراتب مقدمات فعل اختیاری	
۳۶	تعریف اراده، قدرت، تصمیم، اختیار و آزادی	
۳۶	اراده	
۳۷	قدرت	
۳۶	تصمیم	
۳۶	تفاوت اراده و تصمیم	
۴۰	اختیار و آزادی	
۴۱	جبر	
۴۱	مصادق جبر و کاربردهای مختلف آن	

بخش دوم: ۴۳

آراء متکلمان قدیم امامیه درمسأله جبر و اختیار ۴۳

مقدمه ۴۴

۱. شیخ صدوق ۴۶

۲. شیخ مفید ۴۸

۳. سید مرتضی ۴۸

چکیده و نقد ۵۰

۴. خواجه نصیرالدین طوسی ۵۱

اشاره ۵۱

قدریه و حجت آنان ۵۲

مفوضه و حجت آنان ۵۲

نقد دو نظریه، و نظریه مختار ۵۳

سبب موجب چیست؟ ۵۴

اراده و کراهت از نظر محقق توسی ۵۷

چکیده بحث ۵۸

بخش سوم: ۵۹

نظریه علامه طباطبائی (رحمه الله) درمسأله جبر و اختیار ۵۹

مقدمه ۶۰

۱. تبیین قرآنی در باره جبر و اختیار: ۶۰

هدایت اختیاری است نه جبری ۶۳

ایمان آوردن اجباری نیست ۶۳

ناسازگاری شقاوت ذاتی، با جبر و اختیار ۶۴

ماهیت حسن و قبح افعال ۶۵

۲. بررسی روایی پیرامون جبر و اختیار ۶۷

قضا و قدرت الهی تهافت با جبر و اختیار ندارد ۶۷

عمومیت قضا و قدر، موجب سلب اختیار نیست ۶۷

انسان ذاتاً شقی و سعید نیست بلکه مختار است ۶۹

۳. تبیین فلسفی درباره جبر و اختیار ۷۱

چکیده بحث ۷۳

۷۵	بخش چهارم :
۷۵	نظریه حضرت امام خمینی (رحمه الله) درمسأله جبر و اختیار :
۷۶	مقدمه
۷۶	اشاره
۷۷	۱. هر ممکن الوجودی ، برای تحققش نیازمند علت تامه است
۷۷	۲. بطلان نظریه تفویض و جبر
۷۹	۳. امر بین امرین = مذهب حق
۷۹	حقیقت سعادت و شقاوت
۸۰	مبداء سعادت و شقاوت
۸۲	وجود معلول نیازمند علت (الشیء مالم یجب لم یوجد)
۸۳	علت ارادی بودن اراده انسان از نظر امام خمینی (رحمه الله)
۸۵	افعال اختیاری صادر از انسان دو قسم اند
۸۷	۴. چکیده
۸۸	نظریه دکتر رضا برنجکار : حضور اراده درمبادی عمل
۹۰	حضور اراده در مرحله معرفت
۹۱	۱. تفکر، تمقل ، تذکر و اعتبار
۹۱	۲. شک
۹۲	۳. گمان
۹۲	۴. اعتقاد و ایمان
۹۳	حضور اراده در مرحله میل
۹۳	حضور اراده در مرحله اراده
۹۶	چکیده
۹۸	بخش پنجم :
۹۸	جمع بندی کلی
۹۹	مقدمه
۹۹	۲-۱. جمع بندی و مقایسه ای اجمالی آراء
۱۰۰	نقد و نظر
۱۰۰	۱. اضطراب آراء درمبادی فعل اختیاری
۱۰۲	۲. بقاء شبهه درانتظار مأخوذه
۱۰۳	نقد
۱۰۳	نقد
۱۰۴	نقد
۱۰۵	نقد
۱۰۶	نقد
۱۰۷	خاتمه و نظر مختار :

درآمد

تردید نیست که هر یک از ما آدمیان، به مجموعه ای از گزاره ها، ایمان و اعتقاد داریم و آن مجموعه، نظام فکری ما را تشکیل می دهد که یکی از زیرمجموعه ای آن، موضوع مورد بحث رساله ای حاضر یعنی جبر و اختیار... است

در این رساله، این موضوع از دیدگاه متکلمان امامیه باتکیه به آراء حضرت علامه طباطبایی و حضرت امام خمینی (رحمهما الله)، بررسی می شود

هر چند که در این راستا میان صاحبان این اندیشه، تلاش بر آن شده که با آوردن برهان و استدلال های منطقی، فلسفی و کلامی، مبانی و باورهای مقابل را کم رنگ بنمایند؛ لکن این مقتضای تحقیق است، که در هر مسأله ی مورد کنکاش، اهدافی نهفته که تحلیل و تفسیر از آن بدون ژرف نگری و کند و کاو در کیفیت رسیدن به آن اهداف، امکان پذیر نیست بدین ترتیب تصادمات فکری اربابان اندیشه از امور جانبی و ضروری مسأله محسوب می شود

از این رو، از دیر باز اندیشه ورزی و تأملات ژرف فیلسوفان و خردمندان کلامی رابه خود فرا خوانده است؛ به گونه ای که از قلمرو نوشتار و گفتار بیرون جهیده و ذهن انسان را به عنوان یک گزاره اعتقادی، به خود مشغول ساخته است که در این راه صاحبان فکر و اندیشه جهت نیل به آن هدف عالی خویش، خریدار چوبه دار شده اند

اشتغال ذهن بشر در این مسأله، ریشه در آن دارد که او همواره به این پرسش گرفتار است که آیا در افعال و اعمال خود مختار و آزاد است، یا این که هر چه را انجام می دهد از روی جبر و وابستگی به عوامل تعیین کننده ی درونی و بیرونی می باشد؟

تاریخ اندیشه آدمی در پاسخ به این سوال، شاهد سه موضوع عمده و اساسی بوده است که ما آن را مثلث سلوکیه می نامیم

زاویه نشینان این مثلث؛ گروهی از آن ها در پی انکار هر گونه آزادی در کردار و رفتار انسان، به مسلک جبریون گراییده اند از دیدگاه این جماعت تأثیر عوامل بیرونی مادی و متافیزیکی و عوامل درونی وراثت در افعال انسان به اندازه ای عمیق و اساسی است، که جایی برای اختیار آزادانه باقی نمی گذارد

دسته دیگر بر این باورند؛ که آدمیان در رفتار و اعمال خود آزاداند، به حدی که اراده خداوند هیچ گونه نقش و تأثیر در کار او ندارد؛ او خدا را دست بسته در بیغوله ای خرامیده می داند و انسان را خدای دوم و فعال در کار می پندارند، چونان یهودیانی ماقبل خرد و تفکر، که همین عقیده را داشتند^۱

در قبال این دو تفکر، گروهی تلاش ورزیده اند تا با ارائه ای تصویری معقول و خرد پسند از اختیار و آزادی انسان، نه به آفت جبر گرایی بی قید و بند دچار شوند، و نه به بلای مفوضه که خدا را بالمره کنار گذاشته اند، نائل آیند

روی این حساب، در این تحقیق شناخت کیفیت صدور افعال آدمی، از حیث سازگاری آنان از جهات مختلف مورد کنکاش قرار خواهد گرفت و اینک به نکات ذیل به عنوان ثمره بحث آتیه اشاره می شود

۱ انسان شناسی و مسأله جبر و اختیار

تردید نیست که منیت انسان، بستگی به اراده و اختیار او دارد و اگر بدانند که در انجام عمل مختار است قهرأ خود را از بقیه موجودات، برتر می یابد؛ زیرا افعال موجودات منهای انسان بر اساس غرائز و طبیعت است، نه از روی اراده و اختیار؛ و اما اگر بدانند که در انجام کارهای خود چون تیشه ای است به دست نجار، تمام اموری که او برای کمال لازم دارد بیهوده و لغو خواهد بود و سرانجام نه تنها با حیوانات فرقی ندارد؛ بلکه اخس از حیوانات خواهد بود، لذا تبیین مباحث جبر و اختیار به مفهوم واقعی آن از دیدگاه متکلمان امامیه، ارمغان آور خودشناسی می شود که از این رهگذر، او به قلّه ای بالاتر از کمال و خدامعرفتی صعود خواهد نمود

۲ سیر تکاملی قدم به قدم به سوی خداشناسی

جبر و اختیار از زاویه های مختلف با توحید و عدل، قضا و قدر، علم ازلی خدا و بدهاء، ارتباط وثیق دارد توضیح آن که: اگر جبر در انجام کار آدمیان صحت داشته باشد، آنگاه عدل الهی مفهوم و معنا نخواهد داشت و اگر تفویض درست باشد عمومیت قدرت خداوند زیر سوال خواهد رفت؛

۱ وقالت اليهود یدالله مقلولة غلت ایدیهم ولعنوا... مانند: ۶۴.

زیرا افعال انسان در فرض تفویض، محدود به خودش می شود به گونه ای که خدا هیچ نوع دخالت و تأثیری در آن نمی تواند داشته باشد. بدین سان مقتضای روی کرد تکاملی و خداجویی، ایجاب می کند که انسان با گشودن دریچه ای جبر و اختیار و پرده برداری از شبهات، تحلیل ها و تفسیرهای نابه جا در این مسأله ای مهم، چشم انداز جدیدی در دریای معرفت شناسی داشته باشد.

۳ معاد و مسأله جبر و اختیار

مسأله ای معاد و جهان پس از مرگ، مؤلفه دیگر از تکلیف شناسی است که بالضروره این مؤلفه مبتنی بر آزادی و اختیار انسان است. و با آن مفهوم و معنا پیدا میکند و الا آدم مجبور تکلیفی ندارد؛ پس چه باک او را از این که حساب و کتابی داشته باشد لذا جا دارد که با شفاف کردن مبحث جبر و اختیار، روی کرد یک فرد الهی به تکالیف شرعیه استوارتر گردد و، صف آنان از کسانی که در امتداد تاریخ از این واژه های مقدس سوء استفاده می کنند، جدا شود.

۴ رابطه جبر و اختیار با اخلاق و حقوق

اخلاق و حقوق نیز رابطه ای تکمیلی با مسأله ای جبر و اختیار دارد. توضیح آن که قانون گذاری و گفتمان اخلاقی در صورتی معقول و پذیرفتنی است، که انسان فاعل با اراده و اختیار باشد؛ و با این حقیقت نظام حقوقی و اخلاقی سرلوحه نظام اجتماعی خواهد شد اما اگر انسان را مسلوب اختیار بدانیم، نظام حقوقی و اخلاقی سالبه به انتفاء موضوع است؛ آنگاه مفهوم نخواهد داشت که زید و عمر، بی اختیار مثلاً رفتار اخلاقی داشته باشند و طبق قانون و مقررات وارد جامعه شوند.

روی این حساب، معنادار کردن نظام حقوقی و اخلاقی در جامعه، رهین تبیین و توضیح مسأله جبر و اختیار است تا از این وادی جامعه ای انسانی با اراده و آزادی، قانونمند بوده و رفتارهای اخلاقی را با کمال اختیار و از روی میل و رغبت انجام دهد.

۵ رابطه جبر و اختیار با قضا و قدر

در قاموس اسلام شکی نیست که اصل علیت و نظام اسباب و مسببات بر جهان، و آن چه که تعلق به هستی دارد، حکومت دارد. به بیان این که هر حادثه و پدیده، ضرورت و حتمیت وجود خود را و همین طور خصوصیت زمانی و مکانی وجود خود را از علل فوقیه خویش می گیرد

بنابراین فی الجمله سرنوشت هر موجودی در گروهی موجودی اولی است که علت تامه ای اوست و هم آن است که به عنوان علت، خصوصیات وجودی او را ایجاب کرده است و آن علت اولیه نیز علت دارد و حال پیشتر خود معلول علت دیگری است تا برسد به علت صمدیه و ازلیه پس لازمه قبول اصل علیت عمومی، باور کردن این نکته است که هر حادثه و پدیده ی حتمیت و ضرورت وجودی خود را از علت خود می ستاند، چنان چه اندازه و کیفیت خود را در خصوصیت از او می داند

علامه بزرگوار طباطبایی رحمه الله در این خصوص می فرمایند

اماقضا به معنای معروف خودش عبارت است از قرارداد نسبت بین موضوع و محمول به صورت ایجابی، مثلاً حکم قاضی عبارت است از ایجاب قاضی امری را به صورت ایجاب علمی به صورتی که ایجاب خارجی نیز به اعتبار عقلی تابع آن می باشد این معنای اعتباری، اگر بخواهد با تحلیل عقلی، معنای حقیقی غیر اعتباری را به خود بگیرد، مفهوم قضا منطبق بر وجوب می گردد؛ و جویی که موجودات ممکن از لحاظ نسبت آن ها به علل تامه شان متلبس به آن وجوب می گردند؛ زیرا

«الشیء ما لم یجب لم یوجد»^۱

حال سوال این است که اگر تمام پدیده ها با علل متقدمه خود بستگی دارند و بین هر حادثه ای اصل علیت و ضرورت حکم فرما است، پس چه جایی برای آزادی و اختیار انسان باقی می ماند؟ این جاست که متکلمان امامیه، این عویصه ای فکری را، حل نموده اند و رابطه جبر و اختیار را با قضا و قدر تبیین می کنند و بیان می دارند که ملازمه ی بین قانون ضرورت علی و معلولی و مجبور بودن آدمی وجود ندارد، چنان چه هیچ ملازمه ی بین عدم ضرورت علی و معلولی و اختیار انسان نیست توضیح بیشتر آن در فصل اول این رساله تحت عنوان تعریف مسأله جبر و اختیار خواهد آمد، ان شاء الله

۱. نهاية الحکمة، ص ۲۹۳ مؤسسه نشر اسلامی

خلاصه این که : نظام هستی که یک نظام علیت و ضرورت است و همه پدیده ها در وجود و خصوصیت خود متوقف به علل اولیه است ؛ در عین حال انسان در اعمال و رفتار خود در حد اعلاى از آزادی و اختیار می باشد و هیچ نوع تهافت با ضرورت نظام هستی ندارد لذا هدف نوشتار حاضر تبیین امور فوق و پاسخگوی شبهات در این خصوص خواهد بود که از تعریف مسأله جبر و اختیار، اهمیت بررسی آن و ضرورت بازنگری آراء متکلمان امامیه ، با توجه به آرای علامه طباطبایی و امام خمینی رحمه الله و بررسی مفهوم جبر و اختیار ، قدرت ، اراده ، تفویض و پیشینه بحث آغاز ؛ و ضمن بررسی آرای متکلمان نامی امامیه به ویژه نظرات علامه طباطبایی و امام خمینی رحمه الله ، با جمع بندی ، مقایسه ، بازنگری آراء مأخوذه در مسأله و نقد و نظر ، خاتمه می یابد

بدین ترتیب تحقیق حاضر در پنج بخش سامان می یابد .

بخش اول

کلیات

- ۱ تعریف مسأله جبر و اختیار
- ۲ اهمیت مسأله جبر و اختیار
- ۳ پیشینه بحث و اشاره به فرقه های جبریه در حوزه اسلام
- ۴ ضرورت بازنگری آراء متکلمان نامی امامیه
- ۵ بررسی مفاهیم جبر و اختیار، قدرت و اراده

۱ تعریف مسأله جبر و اختیار

یکی از مسائل عویصه که سالهای متمادی، متکلمین و فلاسفه را رو در روی هم قرار داده و مورد بحث و مناقشه آنان بوده است و نیز قلمرو آن در علوم طبیعی، اجتماعی، روان شناسی، اخلاق و حقوق نیز کشانده شده است، مسأله جبر و اختیار است در این گزاره، تضارب آراء و افکار به قدری بالا رفته و شدت گرفته است که عده ی از مسلمانان بخاطر عدم تأمل و تعمق در مسأله، طریق افراط، و عده ای دیگر راه تفریط را رفته اند

این دو رویکرد افراط و تفریط نه تنها در حدالفاظ، بلکه تا دامنه های توحید در افعال و ربوبیت را نیز درنوردیده است و از خدای احد و واحد، خدایان سلطه طلب جابر و گوشه نشین ناظر ساخته اند که از این رو لطمه جبران ناپذیر را برای پیروان دو مذهب اشاعره و معتزله به ارمغان آورده است

رساله ای حاضر سعی بر آن دارد که این دو واژه کلامی را از قالب الفاظ بیرون کرده و جبر را مقدمه اختیار، و اختیار را در خدمت انسانیت قرار دهد این همان خواستگاه رسالت انسان است که امتیازات جبری را از امتیازات تکاملی، دارای تفکیک می داند و در عین حال آنها را در کنار هم می خواهد

امتیازاتی که در اختیار آدمی قرار می گیرد به دو نوع تقسیم می شود

الف امتیازات جبری مانند فوایدی که از مجرای قوانین طبیعی و ساختمان تکوینی خود انسان به وجود بیاید به گونه ای که دور از نظارت، سلطه و شخصیت اختیار بوده باشد؛ مانند فصاحت و سخنوری که انتماء به تحمل مشقت و فراگیری قواعد ادبی نبوده باشد و مانند قدرت ها و مقام های موروثی و یزید مآبانه و یا هر پدیده دیگری که با آزادی و اختیار به دست نیامده باشد

ب امتیازات و دست آوردهای تکاملی که مستند به سلطه و نظارت شخصیت بوده باشد، مانند امتیاز رهبری حضرت امام خمینی رحمه الله علیه و فقاقت فقیهان وارسته که این امتیازات از تعهد و احساس و وظیفه انسانی و باتسلط و نظارت شخصیت آنان بوجود می آید

بنابراین تکلیف یک اندیشمند الهی در برابر رسالت والای انسانی او، اشباع دست آوردهای جبری با امتیازات تکاملی است و همین نوع امتیازات است که ضرورت تعلیم و تربیت افراد جهت

فراگیری و تحول واقعی از انسان به انسانیت را، گوشزد میکند تا یک اندیشمند، دست آورده های جبری را مقدمه امتیازات اختیاری و تکاملی بداند و اذعان کند که آن چه برادران اشاعره و معتزله در مسأله جبر و اختیار گفته اند و به آن اذعان دارند، گوشه ای از حقیقت است نه تمام حقیقت کل حقیقت در اندیشه اندیشمندان و رسولان رسالت بدوش است که بزودی *إن شاء الله* تفصیل گفتار آنان در فصل های آتی خواهد آمد

خلاصه این که انسان از ابتدای ورودش در دامن طبیعت و پرورش او در این عالم ماده و مادیات تا خروج او از این نشئه در نشئه دیگر، در این امتداد زندگی، محکوم است به قوانینی حاکم بر طبیعت؛ زیرا او از این که موجودی فقیر است *ایها الناس انتم الفقراء الى الله و الله هو الغنی الحمید*.^۱ مانند سایر فقراء جزء از طبیعت محسوب می شود

پس قوانین طبیعت شامل او نیز می شود این از یک سو؛ از سوی دیگر خواستگاه رسالت انسانی این است که به خاطر اعتلای انسانیت، از این قوانینی حاکم بر طبیعت در حد لازم و کافی بهره برداری شود؛ زیرا خلقت طبیعت برای کرامت انسان، و کرامت او مبتنی بر تکامل و اعتلای انسانی اوست، که باید در بستر طبیعت محقق شود «*ولقد کرّمنا بنی آدم و حملنا هم فی البرّ و البحر و رزقنا هم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر من خلقنا تفضیلاً*»^۲

رسالتی که نسبت به این موضوع وجود دارد عبارت است از آماده کردن انسان ها برای بهتر درک کردن هدف ها و موازنه مصالح و مفاسد و رهاساختن انسان از جاذبیت و قراردادن او تحت تأثیر عوامل عالی تر و انسانی تر

بدین سان معمای جبر و اختیار در رسالت انسانی به این ترتیب گشوده می شود که رهایی از انگیزه گی عوامل پست و قرار گرفتن تحت تأثیر عوامل عالی، البته این گفتار بدان معنا نیست که اختلال در نظم ضرورت علی و معلولی وارد شود؛ زیرا همان طوری که حتمیت علی و معلولی تأکید و تأیید برای آزادی و اختیار است، از آن سو نیز اختیار و آزادی حجیت و اعتبار برای حتمیت و ضرورت محسوب می شود؛ زیرا افعال انسان مانند هر معلولی دیگری با پیدایش

۱ سوره فاطر ۱۵

۲ سوره اسراء ۷۰

علل تامه خود ضرورت می یابد علت تامه فعل انسان مرکب است از مجموع غرایز، تمایلات، عواطف، سوابق ذهنی، قوه عقل، سنجش، موازنه، مآل اندیشی، قدرت، عزم و اراده؛ یعنی هر عملی که از انسان صادر می شود، باید مطلوب را برای انسان در برداشته باشد؛ و الا قوه فعالیه انسان امکان ندارد که به سوی آن عمل روانه شود و در صورت فائده و مطلوبیت، تمام آن چه که علت محسوب می شود باید جمع شود و اگر از این لحاظ ها به موانع برنخورد و یا این که موانع در مقابل فواید، کوچک باشد حالت عزم و اراده در نفس پیدامی شود و فعل صورت وقوع پیدامی کند

در هر صورت آن چیزی که به فعل وجود می دهد و ضرورت می بخشد همانا ترجیح و انتخاب و اراده انسان است ضرورت در این جا این است که افعال انسان با اختیار ضرورت پیدا کند و این ضرورت منافی با اختیار نیست بلکه مؤید و مؤکد آن است^۱ یعنی همین اختیار و اراده ی انسان است که به حتمیت و ضرورت علمی و معلولی در حوزه کار حجیت می دهد و الا صدور فعل از انسان یا امکان ندارد و یا از روی اتفاق و صدفه خواهد بود

لذا رسالت انسانی تأکید دارد که راه اندیشه و تحقیق علمی و فلسفی در حوزه دین درباره موضوع جبر و اختیار دائماً باز باشد تا دیدگاه معرفتی ما که هزاران نتیجه ی سازنده دارد توسعه و گسترش پیدا کند

در قبال اصل فوق رهایی از عوامل پست برای تأثیر پذیری از عوامل عالی، هر فلسفه و علمی که دست و پای متفکر را از پویندگی باز دارد، نمایشی از جبر است که به هیچ واقعیتی تکیه ندارد و همچنین جبرهای نمایشی سلطه و خشونت است که با اجزاء و قوانین جهان عینی شخصیت اختیار انسان را به وحشت می اندازد و این سوال را خلق می کند که آیا ما می توانیم در مقابل محیط، وراثت و سایر عوامل طبیعی و اجتماعی، آزادی داشته باشیم؟

ریچارد پاپکین می گوید

در بحث مربوط به جبر و اختیار، اصولاً عامل انسانی در جهان مورد توجه قرار می گیرد و ما در تجربه خود درباره سلوک، رفتار و تصمیمات خویش دوجنبه متقابل می یابیم

الف آگاهی به آزادی و اراده خود برای تصمیم گرفتن در مورد خود برای سنجیدن و اندیشیدن ب با این اعتقاد و آگاهی از آزادی و اختیار، کشف می شود که عزم و تصمیم ماتحت تأثیر عوامل شخصی و اجتماعی بوده و ما واقعاً در آن مورد مختار و آزاد نبودیم، از این رو همواره این بحث مطرح بوده که آدمیان واقعاً آزادند، یا این که فعالیت‌های شان بوسیله بسیاری از عوامل مؤثر که با آن‌ها تماس و برخورد می کند کاملاً معین و مقدر شده است لذا اغلب داوری‌ها و احکام درباره مردم به این فرض است که انسان فاعل مختار و آزاد است^۱

علامه محمد تقی جعفری رحمه الله علیه می فرمایند

آگاهی از حیات، بزرگترین کاری که می کند این است که کمیت و کیفیت رابطه انسانی را با نیروها و قوانین و فعالیت های جبری که او را از هر سواحاطه کرده اند، مقدار و چگونگی آزادی خود را در جنگل انبوه از جبرها و شبه جبرها درک می کند

وی جهت توضیح و درستی مطلب، کلام مبارک حضرت سیدالشهداء علیه السلام را شاهد می آورد که امام علیه السلام در صحرای عرفات فرمودند

«إلهی أغننی بتدبیرک لی عن تدبیری و بایختیارک عن اختیاری و أوقفنی علی مراکز اضطراری .»

ای خدا، مرا به علم و تدبیر کاملت از تدبیرم در کار خویش بی نیاز گردان و به اختیار خود امروم را منظم ساز و مرا به موقعیتهای اضطرار و اجبار آگاهی فرما^۲

یعنی ضروری که از گمان اختیار در مورد جبر به انسان رهرو و در مسیر رشد می رسد کمتر از ضرر به گمان جبر در مورد اختیار نیست؛ زیرا هر دو گمان بی اساس و در فریفتن و دور کردن ما از واقعیت‌ها به یکسان عمل می کند

بله، جبرهای نمایشی انسان را به وحشت می اندازد، و او به پنداری بی اساس که در این جهان در تبلور گاه قوانین و نیروهای جبری، اختیار ندارد، چنانچه بابلند پروازی بی مورد که انسان آزاد و دارای اختیار مطلق است، خویشتن رامی فریبید؛ غافل از آن که اختیار انسان در جهان که تبلور گاه قوانین و نیروهای جبری است مانند دانه های الماس بسیار گران بها در انبوه ذغال سنگ است که با تمام استقلال و درخشندگی وجود دارد و در برابر احاطه ی انبوه تپه های ذغال سنگ خود را نمی بازد

گرچه انسان نمی تواند با نیروهای جبری مبارزه کند، اما این قدر می تواند که مردم را از قدرت بسیار بزرگ شخصیت انسانی آنان آگاه سازد و از اسارت و بردگی کورانه در چنگال آن چه که در جریان است، نجات دهد و آنان را وادار کند که هر اندازه بتوانند زندگی خود را با سلطه و نظارت شخصیت اختیار به دو قطب مثبت و منفی کار، به زندگی آگاهانه مبدل سازد^۳

۱ رک برگزیده کلیات فلسفه، ص ۱۰۴؛ ریچارد بابکین و آروم استرول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶ ش

۲ کلیات مفاتیح الجنان، ص ۲۷۶

۳ رک تفسیر نهج البلاغه، جلد ۸، ص ۱۹۱

استاد شهید مطهری رحمه الله علیه می فرماید

بحث های مختلفی که از جنبه های مختلف روی موضوع جبر و اختیار به عمل آمده موجب یک ابهام مخصوصی در مفهوم جبر و اختیار شده؛ یعنی موجب شده که این دو کلمه در نظر همه یک تعریف معین و مفهوم مشخصی ندارد و هر دسته ای به حسب فهم و سلیقه خود از هر یک از جبر و اختیار یک تعریف و تفسیر خاصی کرده اند و در اطراف آن به نفی و اثبات پرداخته اند ولی یک ماده مشترک در همه این گفت و گوها موجود است و آن این است که همه خواسته اند حدود آزادی انسان را در عمل بیا نمایند و به عبارت دیگر خواسته اند تعیین کنند که آیا انسان در اعمال خویش آزاد است یا آزاد نیست؟ و اگر آزاد است این آزادی چگونه است؟^۱

این محقق بیان می دارد که نزاع اول بین جبریه و عدلیه است و نزاع دوم بین معتزله، مفاوضه با امامیه است و هر کدام برای باورهای خود اقامه دلیل کرده اند که بحث تفصیلی آن از عهده این رساله بیرون است

انیشتین می گوید

این آزادی درونی نعمتی است خدا دادی و برای اشخاصی که بدان دست یافته است، موهبت عظمای به شمار می رود؛ احترام کسانی را که بدان نائل آمده اند فرعی بدارد و از ایجاد مشکلات در راه تحقق آن خود داری نماید^۲

بدین ترتیب، ما امروزه، مانند هر دوران دیگری می توانیم با این منطق واقع بینانه، تکیه کنیم که هر انسانی به دو موقعیت فعلی و آینده ی خود آگاه است و در خود قدرت انتقال از موقعیتی که معلول هدف گیری ها و انگیزه های عالی انسانی است می بیند، لذا برای انتقال به موقعیت دوم بکوشد و قدم بردارد. به فرمایش محقق توانا علامه جعفری رحمه الله علیه

این قدرت و آزادی که خدا به بشر داده در جهت خیر بهره برداری شود و اگر کسی با کلمه آزادی حساسیت دارد، نام آن را جبر بگذارد ولی شیفتگی بی اساس به کلمه اختیار و آزادی و کینه بی پایه به کلمه ی جبر را از خود دور نماید؛ زیرا همه می دانیم که این واژگان جبر و اختیار نوعی قالب های قراردادی برای ارائه معانی است، و خود مطلوبیت استقلالی ندارند^۳

۱ اصول فلسفه، جلد ۳، ص ۱۴۸

۲ رک آزادی و حیثیت انسان، ص ۱۵۵؛ به نقل از جبر و اختیار، محمدتقی جعفری

۳ علامه محمدتقی جعفری، همان